

## مقاله علمی

# تأثیر جادوی شباهت در شکل‌گیری باورها و خرافات مردم ایوان

ایوب امید<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸)

### چکیده

جادوی شباهت یا تقلید، مبتنی بر این اندیشه است که برای رسیدن به یک هدف یا واقعیت باید به شبیه‌سازی یا تصویرسازی آن واقعیت پرداخت تا طبیعت به تکرار و تقلید آن عمل ترغیب شود. این پژوهش که از نوع مطالعات کیفی است، می‌کوشد با روش کتابخانه‌ای و میدانی به بررسی و طبقه‌بندی باورها و آداب و رسوم شکل‌گرفته بر اساس جادوی شباهت در فرهنگ عامه شهرستان ایوان بپردازد. روش نمونه‌گیری، گلوله‌برفی بوده که با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، آداب و رسوم شهرستان ایوان را در هفت روستای آن بررسی کرده است. نتایج این پژوهش که طی پنج ماه انجام شد، نشان می‌دهد که برخی از باورها و آداب و رسوم در فرهنگ عامه ایوان بر پایه جادوی شباهت شکل گرفته‌اند که این موارد در ده بخش یعنی باورهای مرتبط با ازدواج، بارداری، تولد نوزادان، درمان و بلاگردانی، باروری و برکت‌بخشی، عزاداری، خال‌کوبی، جادوی سیاه، اشیاء و حیوانات گمشده و دفع مهمان ناخوانده بررسی و تحلیل می‌شود که از این میان به ترتیب، باورهای مرتبط با نوزادان، باروری و برکت‌بخشی، درمانی و بلاگردانی، ازدواج و بارداری انعکاس بیشتری نسبت به سایر باورها دارد. به نظر می‌رسد این امر ریشه در اهمیت فرزندان به‌عنوان نیروی کار و عامل حفظ کیان خانواده و به‌نوبه خود خیر و برکت در زندگی روستایی و معیشت جامعه کشاورزی دارد.

**کلیدواژه‌ها:** شهرستان ایوان، فرهنگ عامه، باورها، خرافات، جادوی شباهت

## مقدمه

جادو و جادوکاری فعالیت‌های نظری انسان ابتدایی یا ابتدایی‌اندیش است که با امیدواری و آرزومندی و به موازات کار عملی بر روی طبیعت انجام می‌دهد تا به گمان خود به خواسته‌هایش که جذب موافق و دفع منافر است، دست یابد (آزادگان، ۱۳۸۴: ۳۵).

مالینوفسکی در تعریف جادو با تقسیم جهان اجتماعی به دو حوزه مقدس و کفرآمیز، مذهب و جادو را متعلق به حوزه مقدس و علم را متعلق به حوزه کفرآمیز می‌داند. وی معتقد است جادو در جهت رسیدن به یک هدف و نتیجه نهایی واضح و صریح در جایی که دانش با شکست روبرو می‌شود، انجام می‌گردد (Neumann, 2006: 43).

فریزر در روند تکاملی‌اش (جادو، دین و علم)، جادو را یک مرحله ابتدایی و متمایز از مذهب می‌داند، زیرا جادو بر مبنای عمل مستقیم پایه‌گذاری شده و بر خلاف مذهب برای رسیدن به هدف به دستکاری و مداخله در نیروهای ماوراءالطبیعه می‌پردازد و نه ترغیب و تشویق این نیروها (Frankle and Stein, 2005: 71). جادوی شباهت یا تقلیدی یکی از انواع جادوی هومیوپاتیک است. در این نوع جادو برای رسیدن به یک هدف یا واقعیت به شبیه‌سازی یا تصویرسازی آن واقعیت می‌پردازیم.

مسئله اساسی برای فریزر، جادو و دین و ارتباط آن‌ها است و مهم‌ترین اصل برای فهم جادو و دین از نظر فریزر، درک این مسئله بود که زندگی انسان اولیه بر مبنای نزاع برای زنده ماندن (مانند نیاز به گشتن حیوانات توسط شکارچیان و نیاز به خورشید و باران برای تولید محصولات کشاورزان) متمرکز بود (پالس، ۱۳۸۹: ۶۰). هر جا که شرایط طبیعی، این نیازها را برآورده نمی‌کرد، انسان ابتدایی از روش‌های دیگری برای تغییر و درک جهان استفاده می‌کرد. ابتدایی‌ترین نوع این تلاش‌ها، شکل جادو به خود گرفت که فریزر نام آن را جادوی همدلانه می‌نامد. «ذهن انسان ابتدایی تصور می‌کرد که طبیعت به وسیله همدلی یا نفوذ، عمل می‌کند» (فریزر، ۱۳۸۷: ۸۸). یکی از انواع جادوی همدلانه، جادوی تقلیدگرایانه یا هومیوپاتیک<sup>۱</sup> است. این نوع جادو، مبتنی بر این فرض است که هر چیز، مشابه خود را ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر هر معلولی شبیه علت خود است؛ مانند عبور دادن آب از غربال برای بارش باران (همان: ۱۰۴).

1 homeopathic

به عنوان مثال، قربانی گاو در آیین مهری (آموزگار، ۱۳۹۳: ۲۳) نیز می‌تواند تکرار نمادین کشته شدن گاو نخستین باشد (که از جزء جزء اندام‌ها و وابسته‌های پیکرش آفرینش اورمزدی و حیات جمادی و جانوری شکل می‌گیرد) که نوعی جادوی تقلیدگرایانه برای حاصلخیزی و باروری است. شایان ذکر است که خون در باور پیشینیان، عامل حیات بوده و به زعم پیشینیان، همین روان شدن خون، جریان حیات و زندگی را تجدید می‌کرده است.

در فرهنگ عامه شهرستان ایوان بسیاری از اعمال و باورهای خرافی دیده می‌شود که بر اساس تقلید و قرینه‌سازی به منظور وادار کردن طبیعت به تکرار این اعمال و با هدف پیشبرد اهداف معتقدان به منظور بلاگردانی و برکت‌بخشی انجام شده است. با توجه به این امر، بررسی چنین باورهایی به منظور آشنایی با نحوه شکل‌گیری و اندیشه و قیاس مبدعان این اعمال از لحاظ مطالعات فرهنگی سودمند است.

نویسنده در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ دادن به این پرسش‌هاست: باورهای مرتبط با جادوی شباهت به چند دسته تقسیم می‌شود؟ جادوی شباهت در شکل‌گیری کدام باورها تأثیر و برجستگی بیشتری دارد؟

نویسنده در این پژوهش می‌کوشد با بررسی بخشی از باورها و آداب و رسوم شهرستان ایوان به عنوان بخش‌هایی از فولکلور آن جامعه، تأثیر جادوی شباهت را در ایجاد آن باورها و آداب و رسوم دریابد تا بتواند به شناخت معنای بسیاری از اعمال و رفتار مردم در جامعه مورد مطالعه دست یابد. شایان ذکر است که اهمیت پژوهش حاضر در این است که نخستین پژوهشی است که به طور ویژه به بررسی و تحلیل تأثیر جادوی شباهت در شکل‌گیری باورها و خرافات مردم ایوان می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

درباره بررسی جادوی شباهت در فرهنگ عامه پژوهش‌های زیادی انجام نشده است. با بررسی‌های انجام‌شده پنج مقاله در این زمینه یافت شد که در ادامه بیان می‌شود. حسن ذوالفقاری (۱۳۹۲) در مقاله «درمان عامیانه نزد مردم ایران» به بررسی برخی از موارد جادوی هومیوپاتیک از جمله استفاده از گره برای درمان طب پرداخته است. امیرعباس عزیزی‌فر (۱۳۹۲)

در مقاله «بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی» به‌طور گذرا به بررسی جادوی شباهت و ارتباط آن با طلسم پرداخته است. فاطمه رضایی (۱۳۹۵) در مقاله «تأثیر جادوی هومیوپاتیک بر فرهنگ عامه (مطالعه موردی شهرستان نجف‌آباد)» و حسن نسرین‌زاده و فرخنده نشانی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی تأثیر جادوی هومیوپاتیک بر فرهنگ عامه مردم بهبهان» به‌طور خلاصه و بدون تحلیل به ذکر موارد محدودی از جادوی شباهت در شهرستان‌های نجف‌آباد و بهبهان پرداخته‌اند. شایان ذکر است که بسیاری از موارد ذکر شده در مقاله «بررسی تأثیر جادوی هومیوپاتیک بر فرهنگ عامه مردم بهبهان» تکرار و رونویسی مقاله «تأثیر جادوی هومیوپاتیک بر فرهنگ عامه نجف‌آباد» است. مریم حقی و فرشته محجوب (۱۴۰۰) هم در مقاله «جادوی گره در فرهنگ عامه مردم ایران» به بررسی باورهای مرتبط با جادوی گره در فرهنگ عامه پرداخته‌اند.

### روش پژوهش

گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر با سه روش مشاهده، مصاحبه و مطالعات اسنادی انجام شده است. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بود که با روش میدانی انجام شده است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش نیز شهر ایوان و روستاهای آن از جمله ملازین، گلان، زرنه، سرتنگ، رستم‌خان، خوران و تَرَن است. دلیل این گزینش آن است که بر اساس مطالعات اکتشافی انجام شده، در این مناطق نسبت به سایر بخش‌های شهرستان ایوان، آداب و رسوم و آیین‌ها رواج بیشتری دارد. همچنین بر اساس روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی از افراد مصاحبه‌شونده خواسته شد تا افراد دیگری - که با آداب و رسوم و آیین‌های کهن آشنایی دارند - را معرفی کنند. سپس بیست و پنج نفر از کهنسالان (۵ مرد و ۲۰ زن) که میانگین سنی آن‌ها بین ۶۷ تا ۹۲ سال بود، انتخاب شدند و با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، داده‌های پژوهش به‌طور کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردید و این موارد با انگاره‌ها و آداب و رسوم مردم ایوان، انطباق داده شد و به تحلیل محتوای یافته‌ها پرداخته شد. شایان ذکر است که دلیل انتخاب افراد کهنسال برای مصاحبه این بود که آنها با آداب و رسوم و آیین‌های بومی و کهن، آشنایی و انس بیشتری داشتند. مصاحبه‌های فردی نیز در فاصله زمانی اسفند ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۱ انجام شد و مدت هر مصاحبه ۲۰ الی ۴۰ دقیقه در منزل مصاحبه‌شوندگان بود. همچنین در بخش تصاویر نیز در اغلب موارد، نویسندگان به

تهیه عکس پرداخت و در مواردی هم که تهیه عکس دشوار بود، برخی از آلبوم‌های خانوادگی مصاحبه‌شوندگان اسکن شد. در این پژوهش با ضبط و مکتوب کردن گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، برای حفظ امانت یافته‌ها تلاش شده است.

### خرافات و علل گرایش به آن

خرافه لفظی عربی و در اصل به معنای میوه چیده‌شده است (دهخدا، ذیل واژه). در دانشنامه جهان اسلام در تعریف خرافات چنین آمده است: «۱- خبر یا تبیینی که در صحت آن تردید هست و غالباً نمی‌توان آن را به مقتضای قوانین طبیعت و اخبار مقبول پذیرفت. ۲- حکمتی عامیانه که منشأ و مبنای آن مشخص یا دست‌یافتنی نیست، ولی عوام آن را پذیرفته‌اند. ۳- باورها و رفتارهای عامیانه‌ای که نسل به نسل منتقل شده و جزء عناصر هویت سنتی کسانی درآمده است که توان توجیه و معقول‌سازی آن‌ها را در برابر نگاه پرسشگر و انتقادآمیز ناظران بیرونی ندارند (موسی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴۰). در کتاب «روانشناسی خرافات» آمده است: «خرافات در واقع یک نظام فلسفی صادقانه، ولی سفسطه‌آمیز است که اندیشه آدمی با کمک فرایندهایی که هنوز هم تا حدود زیادی برای ذهن ما قابل درک است، رشد داده است و به این ترتیب تکیه‌گاهی اصیل در جهان دارد؛ گرچه واقعیت‌ها همیشه سخت مغایر با چنین دیدگاهی بوده است» (جاهودا، ۱۳۶۳: ۶۰). صرفی در مورد این باورها می‌گوید: «با اینکه غیرمنطقی بودن، جاهلانه بودن، خیالی بودن و هیجان‌انگیز بودن ویژگی اساسی و مشترک بیشتر باورهاست، از این نکته نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که باورها تأثیر غیرقابل انکاری بر رفتار انسان‌ها دارند» (صرفی، ۱۳۹۱: ۳۹۸). صاحب کتاب «روانشناسی خرافات» علل گرایش به خرافات را این‌گونه بیان می‌کند: «خرافه باعث ایجاد نوعی احساس تسلط در انسان، کمک به حفظ یکپارچگی شخصیت فرد، ایجاد نوعی امنیت و اعتماد به نفس کاذب در افراد می‌شود. اگرچه این نظر حکمی جزمی نیست و پذیرش آن جای تأمل دارد؛ اما دوری از عقلانیت، عدم اعتماد و امید به آینده، ناتوانی از درک امور، و نگرانی از حل مسائل اجتماعی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل گرایش به خرافات به شمار آورد» (شعویی، ۱۳۹۲: ۱۴).

با بررسی‌های انجام شده، باورهای عامیانه ایوان در ده طبقه قرار می‌گیرد که در اینجا به بررسی و تحلیل این موارد می‌پردازیم. در این پژوهش، باورها و آیین‌های شکل‌گرفته بر اساس جادوی شباهت و تقلید در عناوینی چون باورهای مرتبط با ازدواج، بارداری، تولد نوزادان، درمان و بلاگردانی، باروری و برکت‌بخشی، عزاداری، خال‌کوبی، اختلاف‌افکنی و آسیب‌رسانی، اشیاء و حیوانات گمشده و باورهای مرتبط با دفع مهمان ناخوانده بررسی و تحلیل می‌شود.

### باورهای مرتبط با ازدواج

تشکیل خانواده و رسیدن به آرامش و لزوم تداوم نسل از نیازهای فطری بشر است. ازدواج در حفظ اخلاق و تمدن نقشی اساسی دارد و به روابط زن و مرد مشروعیت می‌بخشد. باورهای متعددی درباره ازدواج وجود دارد که بر مبنای جادوی شباهت شکل گرفته است. در ادامه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

مشارکت زنان سفیدبخت در فراهم کردن مقدمات مراسم ازدواج: از دیگر موارد جادوی شباهت، به مراسم ازدواج مربوط است. در شب حنابندان برای حنا گذاشتن بر دست عروس و داماد، انداختن سفرهٔ عقد، آماده کردن حجله و ساییدن قند روی سر زوجین از زنان خوشبخت کمک می‌گیرند و زنان مطلقه یا شوهرمرده را از مشارکت در این کارها نهی می‌کنند؛ زیرا مردم محلی باور دارند که افراد از طریق شباهت شرایط زندگی، می‌توانند بر آینده زندگی عروس و داماد اثر بگذارند و موجب خوشبختی یا بدبختی آنها شوند.

فرستادن کله قند و حنا: از طرف خانواده داماد به خانه عروس از دیگر موارد جادوی تقلیدی است؛ زیرا معتقدند شیرینی‌هایی چون قند و عسل از طریق قانون شباهت منجر به شیرین شدن زندگی زوج خواهند شد. به همین جهت در حین خوانده شدن خطبه عقد بر سر عروس و داماد قند ساییده می‌شود و پس از اتمام خطبه، عروس و داماد در دهان همدیگر عسل می‌گذارند. همه این موارد به این دلیل است که شیرینی قند و عسل از طریق ایجاد شباهت باعث شیرین شدن زندگی عروس و داماد می‌شود.

ریختن آب پشت سر عروس و داماد: از دیگر اعمال رایج در مراسم ازدواج است. زیرا به زعم بسیاری، آب، نماد زندگی، روشنی و برکت است و ریختن آب، هنگام بدرقه عروس و داماد، باعث خوشبختی و شادکامی آنها می‌شود و آینده‌ای روشن برایشان رقم می‌خورد.

بستن تخم مرغ بر کمر عروس: علاوه بر این موارد در شب عروسی، تخم مرغ و مقداری نان و پنیر به دور کمر عروس می‌بندند تا با بردن این نان به خانه جدیدش برکت را نیز به آن خانه انتقال دهد. در این موارد نیز با توجه به جادوی تقلیدی می‌کوشند طبیعت را به تقلید از این اعمال وادارند تا بدین طریق برکت و فراوانی به خانه زوج انتقال یابد. به نظر می‌رسد بستن تخم مرغ بر کمر عروس به منظور سهولت در باردار شدن عروس است.

نشان دادن پسر بچه بر دامن عروس: در جوامع سنتی به دلیل فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، فرزند پسر اهمیت ویژه‌ای دارد. خانواده‌ها با توجه به جادوی شباهت برای رسیدن به این مقصود، اعمالی را انجام می‌دهند؛ مثلاً پسر بچه یا نوزاد پسر را بر دامن عروس می‌نشانند. در این مورد با جادوی تقلید مواجه هستیم و گذاشتن پسر بچه در دامن عروس باعث می‌شود نخستین فرزند زوجین پسر شود و به اصطلاح اجاق خانه کور نماند.

دود کردن اسپند: از دیگر موارد جادوی شباهت، چگونگی دفع چشم‌زخم از عروس و داماد است. خانواده‌ها از طریق سوزاندن اسپند، چشم‌زخم و نحوست را از عروس و داماد دفع می‌کنند. اعتقاد بر این است که همراه با سوختن و ترکیدن اسپندها، چشم حسودان می‌ترکد و چشم‌زخم بی‌اثر می‌شود.

گره زدن سبزه: یکی از رایج‌ترین رسوم برای بخت‌گشایی، گره زدن سبزه‌ها در روز سیزده فروردین است. مریم ۷۷ ساله از روستای تَرَن در این مورد می‌گوید: «در این روز مادران (یا خود دختران) به نیابت بخت‌گشایی و ازدواج دختران سبزه‌ها یا دسته‌هایی از گندم‌زار را گره می‌زنند». در کتاب «شرح زندگانی من» در این باره آمده است: در این روز دخترهای دم‌بخت، برای پیدا کردن شوهر، به سبزه گره می‌زدند و معتقد بودند که تا سبزه آینده البته حاجت آنها روا خواهد شد، به شرط اینکه این ذکر را در حین انجام گره‌زنی گفته باشند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۳۶۵). این عمل نیز نوعی جادوی تقلیدی است و فرد می‌کوشد با گره زدن سبزه، بخت دختر را به فردی مناسب وصل کند. گاه شیوه‌ای دیگر از جادوی گره در ازدواج کارکردی منفی دارد که به منظور ناتوان کردن داماد به کار می‌رود.

گره زدن نخ یا پشم به منظور ناتوان کردن داماد: یکی از نتایج منفی گره زدن در مراسم ازدواج، ناتوان کردن داماد از انجام رابطه زناشویی در شب زفاف است. برخی معتقدند اگر کسی

هنگام خواندن خطبه عقد، نخ‌ری را گره بزند، داماد قادر به انجام عمل زناشویی نخواهد بود. در کتاب باورهای عامیانهٔ مردم ایران آمده است: «مردم لرستان و ایلام معتقدند اگر کسی به نیت بسته شدن کمر داماد، پشم گوسفندی را که جلو عروس و داماد قربانی می‌کنند گره بزند تا گره باز نشود داماد قادر به انجام کاری نیست (ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۸۳۳). گاه هدف از گره بستن، آسیب رساندن به طرف مقابل است: اگر بخواهند مشکلاتی را برای کسی ایجاد کنند، جایی از پوشاک او را بی‌آنکه بداند گره می‌زنند و می‌گویند: «کارش را بستم». برای بی‌اثر کردن این جادو باید گره را باز کرد و چنین گفت: «گره را باز و بی‌اثرش کردم» (ماسه، ۱۹۳۸: ۸۹). بنابراین باور، گره زدن نخ یا پشم گوسفند باعث وقفه و اختلال در گرایش داماد به عروس می‌شود و در حقیقت این عمل، الگویی به‌منظور محقق شدن این مقصود می‌شود.

### باورهای مرتبط با بارداری

بارداری، دورانی شگفت و در عین حال پرمخاطره است و باید سلامت مادر و نوزاد حفظ شود، به‌ویژه از چشم‌زخم و شیاطین در آمان باشند. در ایران باستان، آناهیتا، باروری را پاس می‌دارد و هنگام زایمان و پس از آن، مادر را یاری می‌دهد (Reichlet, 1968: 4). از عمده‌ترین این نگرانی‌ها، سترون بودن زنان بوده است. به دنیا آوردن فرزند و مادری همواره یکی از وظایف و نقش‌های مهم زنان بوده است. اگر زنی به هر دلیلی باردار نمی‌شد، برای باردار شدن به روش‌های مختلف متوسل می‌شد (کتیرایی، ۱۳۷۸: ۲۵). در اینجا به مواردی می‌پردازیم که با بارداری و سلامت مادر و کودک مرتبط است.

- قرار دادن شانه زن نازا زیر بالش زائو: عصمت ۷۳ ساله از شهرستان ایوان چنین می‌گوید: «زن نازا یا مادر یا مادرشوهر او پس از زایمان یکی از آشنایان، دور از چشم وی، شانه شخص نازا را زیر بالش زائو می‌گذارند و صبح روز بعد از او می‌پرسند چه خوابی دیده است. اگر از خواب تعبیری متناسب با نیت و خواسته خود می‌یافتند، اظهار شادمانی می‌کردند و در صورت حاجت‌روا شدن به زن یا نوزادش هدیه‌ای پیشکش می‌کردند». به نظر می‌رسد قرار دادن وسایل شخصی (شانه) زن نازا زیر بالش زائو، نوعی جادوی تماسی به‌منظور الگو دادن به طبیعت برای باردار شدن زن نازا است.



- خوردن انواع میوه‌جات به‌منظور زیبایی نوزاد: خوردن انواع خوراکی‌ها و میوه‌ها از مهم‌ترین عوامل کاربرد جادوی شباهت و تأثیر آن در زیبایی نوزاد است. بسیاری معتقدند خوردن میوه‌هایی چون سیب و هلو توسط زن باردار باعث خوشبویی و زیبایی کودک می‌شود و بنا بر جادوی شباهت، نوزاد، ویژگی‌های این میوه‌ها را جذب می‌کند.

- انداختن مَهر نماز (توسط زنان نازا یا افراد گرفتار) به سمت ضریح: فرنگیس ۶۹ ساله از روستای سرتنگ می‌گوید شیوه‌ای دیگر از جادوی تقلیدی است. فرنگیس ۶۹ ساله از روستای سرتنگ می‌گوید: «به باور برخی افراد اگر مَهر، میان میله‌های ضریح قرار می‌گرفت، زن نازا باردار و شخص گرفتار، حاجت‌روا می‌شد». گاه به چنین نیتی روسری شخص نازا را گره می‌زدند و به سمت چهل چراغ داخل امامزاده‌ها می‌انداختند. اگر روسری به چهل چراغ آویزان می‌شد، معتقد بودند که زن نازا حاجت می‌یابد. به‌نظر می‌رسد قرار گرفتن مَهر و روسری، میان ضریح و چهل چراغ تقلیدی از انعقاد نطفه مَرَد در رحم زن باشد.

- پُر و خالی کردن مَشک آب کنار چشمه، توسط عروس: چند روز پس از مراسم ازدواج (معمولاً سه روز)، عروس را سَرِ چشمه می‌بَرند و از او می‌خواهند هفت بار مَشک را با کاسه پُر و سپس خالی کنند و هشتمین بار مَشک را پُر کنند و به خانه بَرَد. به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه آب نماد روشنی است، افراد با انجام این کار، تَفأل خیر می‌زنند تا روشنی و خوشبختی برای وی به ارمغان آید.

### باورهای مرتبط با نوزادان

تولد فرزندان (به ویژه پسران) علاوه بر استحکام و پیوند روحی والدین، و نقش آن‌ها در حفظ نسب و بقای نام و حرفه خانوادگی از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار بود. از دیرباز فرزندان ارزشمندترین سرمایه‌های خانواده و نتیجه عشق زن و مَرَد بودند که حفظ سلامت‌شان بسیار مهم بود. به عقیده بسیاری مخاطراتی همچون حمله دیوان و بیماری از بَد و تولد، کودک را تهدید می‌کند و برای جلوگیری از این امر، اقداماتی انجام می‌دهند:

- کشیدن ریسمان اطراف زانو و نوزاد: مرجان ۸۱ ساله از روستای ماژین می‌گوید: «بسیاری معتقدند هنگام تولد نوزاد، اجنه و دیوان، سراغ مادر و نوزاد می‌آیند که این امر برای مادر و نوزاد شوم و مضر است. برای جلوگیری از این امر، اقداماتی انجام می‌دهند: ریسمانی تنیده

- از بند سیاه و سفید (که‌شگ)<sup>۱</sup> اطراف رختخواب مادر و نوزاد (روی زمین) پهن می‌کردند». مبنای این تفکر بر این اصل استوار است که با قرار دادن چنین ریسمانی حائلی غیبی مادر و نوزاد را از شر دیوان و اجنه می‌رهاند و مانع نزدیک شدن آن‌ها می‌شود.
- از دیگر موارد کاربرد جادوی شباهت، بستن دخیل بر درختان است. نظرگاه‌ها (مکان‌هایی که ائمه و بزرگان دین، مدتی کوتاه در آنجا استراحت کرده یا شب را به صبح رسانده‌اند) در باور بسیاری از جوامع کُردزبان، مقدس و محل برآورده شدن حوائج است. معمولاً در اطراف نظرگاه‌ها درختان کهنسالی چون کُنار (درخت سِدر) و انجیر (این درختان از دید عوام مقدسند) وجود دارد که هنگام بیماری و بی‌قراری کودکان، تکه‌ای از لباس آن‌ها را پاره می‌کنند و به شاخه این درختان می‌بندند، زیرا معتقدند بنا بر اصل جادوی سرایت با این عمل، بیماری و بی‌قراری کودکان به درختان منتقل می‌شود و شفا می‌یابند.
- قرار دادن دو سنگ روی هم و چرخاندن سنگ بالا: علاوه بر این در نظرگاه‌ها، برخی افراد، دو سنگ گرد و بزرگ را روی هم قرار می‌دهند و با حرکت دست می‌چرخانند. اگر سنگ بالایی یک گردش کامل داشته باشد، بر این باورند که حاجت‌روا می‌شوند. با توجه به اصل شباهت، چرخیدن سنگ‌ها الگویی برای تسریع روند کارها و رفع مشکلات است.
- کُشتن گرگ و قرار دادن زهره آن مقابل بینی نوزاد به‌منظور کسب شجاعت: کمال ۸۹ ساله از روستای تَرَن می‌گوید: «در نواحی روستایی به‌منظور شجاعت نوزاد در آینده، هنگام کشتن گرگ، زهره‌اش را می‌بریدند و مقابل بینی نوزاد قرار می‌دادند یا پشم گرگ یا بخشی از پوست پوزه آن را می‌بریدند و به گوشه گهواره آویزان می‌کردند». به نظر می‌رسد باور دارند که اجنه از گرگ واهمه دارند و با این عمل، باعث انتقال شجاعت گرگ به نوزاد می‌شوند و وی ویژگی‌هایی شبیه گرگ کسب می‌کند.
- کاشتن بوته خرزهره به‌منظور دفع چشم‌زخم: در گذشته بسیاری برای دفع شورچشمی و نحسی، بوته خرزهره‌ای مقابل خانه می‌کاشتند، زیرا معتقد بودند بوته خرزهره تلخ است و شوروی چشمی و نحوست را دفع یا به خود جذب می‌کند.

1 kasheg

- به بند کشیدن دیوان توسط فرو کردن جوالدوز در پیاز: خورشید ۹۲ ساله یکی از روستای تَرَن نقل می‌کند: «بسیاری بر این باورند که هنگام تولد نوزاد، دیوان در هفت روز نخست تولد، سراغ مادر و نوزاد می‌آیند و معتقدند این امر برای آن‌ها شوم است، برای جلوگیری از این امر، اقداماتی انجام می‌دهند: هفت عدد پیاز را بالای سر مادر و کودک قرار داده و جوالدوزی در یکی از پیازها فرو کرده و هر صبح یک پیاز را دور می‌انداختند و جوالدوز را در پیاز دیگر فرو می‌کردند». برای تشریح این باور به گفته مهرداد بهار می‌پردازیم.

«در باورهای بین‌النهرین، همیشه ممکن بود که دیوان بر آدمیان هجوم آورند، آنان را در جاهای دورافتاده در حال خوردن یا نوشیدن، در خواب، یا به هنگام زایش کودک برابیند؛ حتی خدایان نیز از شر دیوان در امان نبودند. خدای نیرومندی چون سین (ماه) را نیز دیوان قادر به ربودن بودند و آن طبعاً به هنگام خسوف بود. گروهی از دیوان، هفت خدای بد، پس از پیروزی بر سین چون طوفانی مهیب سراسر را درنوردیدند و بر این سرزمین چون گردبادی هجوم آوردند». (بهار، ۱۳۹۱: ۴۰۸). دیوان خود فرزند آنو<sup>۱</sup>، خدای آسمان، بودند و اغلب ایشان را هفت خطاب می‌کردند... یکی از ایشان لمشتو<sup>۲</sup> بود، دیوزنی که بر سر زنان به هنگام زایش می‌تاخت و بچه‌ها را از کنار مادران می‌ربود» (همان: ۴۱۱).

با توجه به موارد فوق و اشاره بهار به دیوزنی که نوزادان را هنگام زایمان می‌ربود، شاید بتوان گفت که بومیان از دیرباز با این اساطیر آشنایی داشته‌اند (با توجه به هم‌جواری ایلام با بین‌النهرین) و ممکن است هفت عدد پیاز، نماد دیوانی (یا هفت روز آغاز تولد که خطر آزار دیوان فراوان است) باشد که قصد آزار رساندن به مادر و کودک را دارند و بنا بر جادوی شباهت با فرو کردن جوالدوز در پیازها به‌طور نمادین، دیوها را به بند می‌کشند و مانع آزار رساندشان می‌شوند. نکته درخور تأمل این است که بسیاری باور دارند که با فرو کردن جوالدوز در گوش دیوان، می‌توان آن‌ها را به بند کشید و آزارشان را دور کرد.

1 Ano  
2 Lemeshto



تصویر (۱): فرو کردن جوالدوز در پیاز، روستای تَرَن

منبع: نگارنده، فروردین ۱۴۰۱

- آویختن حِرز بر کودک بیمار و سپردن آن به آب روان: آهو ۹۱ ساله از شهرستان ایوان نقل می‌کند: «بسیاری برای رفع بیماری یا بی‌قراری بچه، نزد مُلا می‌رفتند و مُلا آیه‌ای از قرآن یا ادعیه (قربانی‌های معنوی) را روی تکه‌ای کاغذ می‌نوشت؛ مادر کودک دعا را در پارچه‌ای سبز می‌دوخت و پس از انداختن در آب، آب دعا را به بچه می‌خوراند یا آن را به لباس یا بالش بچه آویزان می‌کرد و بعد از مدتی آن را در رودخانه می‌انداخت». در واقع ممکن است با توجه به جادوی تماسی چنین تصور کنند که دعا، بیماری را جذب می‌کند و با سپردن آن به آب رودخانه، بیماری را از نوزاد دفع می‌کنند. بنا بر جادوی شباهت نیز می‌توان استنباط کرد که سپردن دعا به آب روان باعث دور شدن بیماری از کودک می‌شود. شاید باور داشتند با آشامیدن آب دعا، نوعی یگانگی با کلام خداوند می‌یابند و قداست آن باعث شفا می‌شود.



تصویر (۲): حل کردن دعا در آب، شهرستان ایوان

منبع: نگارنده، فروردین ۱۴۰۱

- خوردن نان و نمک و بستن پیمان میان زائوها به منظور دفع آسیب و بیماری: فاطمه ۷۹ ساله از روستای رستم‌خان می‌گوید: «به باور بسیاری هرگاه دو زائو همزمان یا با فاصله چند روز وضع حمل کنند، خانواده آنها نبایستی تا چهل روز با هم رفت‌وآمد کنند، چون معاشرت طرفین با هم برای کودکان زیان‌بار است و باعث بیماری و گاه مرگ یکی از نوزادان می‌شود. برای پیشگیری از این مسئله دو زائو با هم نان و نمک می‌خورند (حتی اگر حیواناتی چون سگ و گربه هم‌زمان با زائو وضع حمل کنند، همین کار را انجام می‌دهند)». بنا بر جادوی تقلیدی، خوردن نان و نمک توسط دو زائو و بستن پیمان دوستی (بنا بر باور حق هم‌سفرگی و نمک‌گیر شدن) باعث می‌شود این پیوند و پیمان نیز میان دو کودک برقرار می‌شود و تأثیر منفی و ضرری برای یکدیگر نداشته باشند.

### باورهای مرتبط با درمان و بلاگردانی

جادو و اعمال جادویی در زندگی گذشتگان و حتی مردم امروزی نقش بسزایی دارد و بسیاری از مردم برای رسیدن به مقاصد خود به جادو متوسل می‌شوند. مردم از زمان‌های گذشته برای مقابله با جادو و رهایی از شر آسیب‌هایش از ترفندهای خاصی استفاده می‌کردند که بسیاری از این ترفندها بر پایه جادوی تقلید یا شباهت شکل گرفته است.

انسان‌هایی که بیشتر در معرض آسیب و ناامنی بوده و سطح رفاهی کمتری داشته‌اند، نسبت به سایرین، بیشتر مضطرب می‌شدند و بیشتر به خرافه‌گرایی پیدای می‌کردند. سطح ضعیف بهداشت و نبود طبیبان حاذق در زمره عواملی است که برخی را برای دفع بیماری‌ها به سوی جادو و خرافه می‌کشانده است (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۲۳۴). راهکارهایی که عوام برای درمان بیماری‌های مختلف به کار می‌برند، بخش مهمی از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهد. «در گذشته (و حتی اکنون در مناطقی) در کنار طب سنتی، طب عامه رواج دارد. طب عامه آمیزه‌ای از خرافات و باورهای نادرست و گاه نشانه‌هایی از طب سنتی است. وجود بیماری‌های فراوان - به دلیل نبود سواد و بهداشت و در دسترس نبودن پزشکان چیره‌دست - زمینه‌های رشد این

باورها را بیشتر می‌کرد (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در اینجا به بررسی برخی از این موارد می‌پردازیم.

- بستن میخ‌ها و انداختن آن در چاه به منظور محو شدن زگیل‌ها: فوزیه ۶۷ ساله از روستای رستم‌خان معتقد است: «برای درمان زگیل، میخ‌هایی را به تعداد زگیل‌ها به هم می‌بندند و آن را در چاله‌ای دفع می‌کنند یا در چاه فاضلاب می‌اندازند». برخی نیز از وجود این باور در لرستان صحبت می‌کنند. با این تفاوت که آن‌ها به جای میخ از سنگ‌ریزه استفاده می‌کنند (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). به نظر می‌رسد با توجه به جادوی شباهت، پوسیده شدن و دفن میخ‌ها باعث ریختن و محو زگیل‌ها می‌شود.

- پوشاندن لباس قرمز بر کودک سرخک‌دار: اگر بچه‌ای سرخک داشت، برای بیرون آمدن دانه‌های سرخک و محو شدن آن، لباس قرمز بر تن او می‌پوشانند. بنا بر جادوی سرایت و تقلید به علت شباهت رنگ سرخک و قرمزی لباس، دانه‌های سرخک جذب لباس قرمز می‌شدند.

- خراشیدن گوش بیمار یرقانی و پاشیدن زردچوبه بر آن به منظور دفع یرقان: از دیگر موارد درمانی با توجه به جادوی سرایت و تقلید درمان یرقان است. کبری ۶۷ ساله از شهرستان ایوان می‌گوید: «برای درمان یرقان مریض را پیش افرادی که در اصطلاح محلی بَش‌دار یا سهم‌دار می‌گویند، بُرده و او با تیغ خراش‌هایی سطحی بر گوش بیمار ایجاد می‌کند و مقداری زردچوبه بر آن می‌مالد». در این مورد نیز با توجه به جادوی تقلید و سرایت به علت شباهت رنگ یرقان و زردچوبه، زردی یرقان به زردچوبه انتقال می‌یابد و بیماری از تن مریض خارج می‌شود.

- شکستن تخم‌مرغ زیر چرخ وسیله نقلیه: بسیاری هنگام خرید وسیله نقلیه، زیر تایرهای آن، تخم‌مرغ‌هایی قرار می‌دهند و از روی تخم‌مرغ‌ها عبور می‌کنند. در این مورد نیز بنا بر اصل تشابه همراه با ترکیدن تخم‌مرغ‌ها، چشم حسودان می‌ترکد و چشم‌زخم دفع می‌شود.

- دفن تخم‌مرغ در آستانه خانه به منظور دفع چشم‌زخم: سهیلا ۷۹ ساله از روستای کلان می‌گوید: «در ادوار گذشته، هنگام تولد نوزاد، در آستانه خانه، چاله‌ای حفر می‌کردند و تخم‌مرغی را در آن قرار می‌دادند». به نظر می‌رسد بر این باورند اقوامی که برای دیدن بچه

- می‌آیند اگر بیماری و کسالتی داشته باشند به تخم مرغ منتقل می‌شود. به نظر می‌رسد در این مورد نیز جادوی سرایت و تقلید با استفاده از نمادپردازی، باعث خلق چنین باوری شده است و در اینجا تخم‌مرغ سمبل نوزاد است و به علت خلق این شباهت (میان نوزاد و تخم‌مرغ) در ذهن، تصور می‌کنند که بیماری و چشم‌زخم به تخم‌مرغ منتقل می‌شود.
- پیچیدن نخ به چوب به منظور دفع بیماری: برای تسکین درد زائو (زنی که وضع حمل کرده است)، بیمار را در نمد می‌گذاشتند و تاب می‌دادند. گاه به این منظور کلافی از نخ یا کاموا را به او می‌دادند و از وی می‌خواستند تا کاموا را به دور تکه چوبی بپیچد. در این مورد نیز باز کردن کلاف نخ و پیچیدن آن به تکه چوب، نوعی قرینه‌سازی و خلق الگویی برای طبیعت محسوب می‌شود تا بیماری را به این صورت از زائو دور کند.
- خواندن دعا بر برف و خوراندن آن به شخص یابس: صدیقه ۷۱ ساله از سرتنگ چنین می‌گوید: «برای درمان افراد یابس، ملا دعاهایی را بر مقداری برف می‌خواند و به بیمار می‌خوراند». در این مورد نیز بنا بر جادوی تقلیدی، همان‌گونه که برف در وجود فرد آب می‌شود و جریان می‌یابد، ادرار نیز جریان می‌یابد و بیمار بهبود پیدا می‌کند.
- ریختن آتش پیشکش، میان ساختمان مخروبه و منازل مسکونی به منظور دفع آسیب خزندگان: مرضیه ۶۹ ساله از روستای ماژین می‌گوید: «در جوامع روستایی، هنگام تخریب ساختمان و بناهای فرسوده، همسایه‌ها با نذر و پیشکش آتش به نیابت شاه ماران و ریختن مقداری از آن و ایجاد حائلی از آتش میان ساختمان مخروبه و منازل مسکونی، سعی می‌کنند شر و زیان مار، عقرب و موجودات گزنده را دفع کنند». آن‌ها باور دارند که شاه ماران با این عمل، این موجودات را از ورود به منازل آن‌ها باز می‌دارد. مبنای این تفکر نیز بر اصل شباهت استوار است که با ریختن آتش پیشکش شده برای شاه‌مارها، مرز و حائلی میان خزندگان و افراد خانواده ایجاد می‌شود و مانع آسیب رساندن و دفع خطر احتمالی می‌گردد.

### باورهای مرتبط با باروری و برکت‌بخشی

با توجه به اینکه از دیرباز زندگی بشر و حیات گیاهی-جانوری به آب وابسته بود، هنگام خشکسالی، حیات بشر و انواع موجودات با مخاطره مواجه می‌شد. یکی از شیوه‌های اجتناب از

این امر توسل به جادوی شباهت بود. در فرهنگ عامه ایوان در مورد نزولات آسمانی، برکت و فراوانی محصولات و احشام باورهای متعددی وجود دارد. در ادوار گذشته در نواحی غرب هنگام خشکسالی، برای بارش باران اعمال مختلفی انجام می‌دادند:

- برگزاری ورزش پلان<sup>۱</sup> به منظور نزول باران: ورزش پلان به این صورت است که جوانان یا افراد مسن به دو دسته (هر دسته چهار یا پنج نفر) تقسیم می‌شدند و دو گروه (هر دسته با نصب سه سنگ پشت سر هم) در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند و به نوبت با پرتاب سنگ به طرف سنگ‌های نصب‌شده گروه مقابل، بازی را آغاز می‌کردند.

این ورزش با هدف واداشتن آسمان به شروع رعدوبرق و تقلید از برخورد سنگ‌های پرتاب‌شده به سنگ‌های نشان برگزار می‌شود و نوعی جادوی شباهت به منظور ایجاد رعدوبرق و بارش باران است.

- واداشتن کودکان به شمشیربازی با چوب: عباس ۷۴ ساله از روستای زرنه درباره این بازی می‌گوید: «از دیگر اعمالی که به منظور واداشتن طبیعت به تقلید افعال انسانی انجام می‌شد، واداشتن کودکان به شمشیربازی (شمشیر چوبی) به منظور بارش باران بود». به نظر می‌رسد در این مورد نیز کوشیده‌اند با کوبیدن چوب‌ها به هم و صدای حاصل از آن، همچون ورزش پلان، پدیده رعدوبرق را تقلید کنند و آسمان را به تکرار این امر وادارند و باعث نزول باران شوند.

- دعا و نیایش و آیین قرض گرفتن آب برای نزول باران: زبیده ۷۳ ساله از روستای مازین در مورد مراسم آب‌قرض می‌گوید: «در ادوار گذشته، هنگام خشکسالی، برای بارش باران، اعمال مختلفی انجام می‌دادیم: اهالی روستا برای بارش باران، در حالی که کاسه‌ای در دست داشتند با خواندن دعا از همسایه‌ها، آب قرض می‌گرفتند (مراسم آب قرض)». بر اساس گفته مصاحبه‌شوندگان، معمولاً این مراسم را زنان انجام می‌دادند.

شاید این باور، در اعتقاد به الهه‌های آب در اساطیر (که زن بودند) ریشه داشته باشد. البته در گذشته بسیاری تصور می‌کردند با انجام اعمال تقلیدی، طبیعت را وادار به انجام آن عمل مشابه می‌کنند (جادوی تقلیدی یا همانندی). در این مورد به نظر می‌رسد چنین تصور می‌شود که

---

1 plan



فرد با تقاضای آب از همسایه‌ها، ترحم نیروهای آسمانی را جلب می‌کند و سعی دارد آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد تا باران را بر زمین ببارند.

در کتاب تاریخ مختصر ادیان بزرگ در این باره آمده است: «بدویان حوادث را تقلید می‌کنند و نمایش می‌دهند... اگر خشکسالی ایجاد گردد و باران نبارد آب می‌پاشند و طبیعت را متوجه می‌کنند که به باران احتیاج دارند و عقیده دارند با این عمل باران می‌بارد و این عمل را جادوی تقلیدی می‌نامند» (شاله،<sup>۱</sup> ۱۳۴۶: ۲۹).

صاحب کتاب «جشن‌های آب» رویاندن سبزه و سپردن آن به آب روان را نوعی جادوی تقلیدی به منظور بارش باران می‌داند. «در جشن آدونیس، یکی از رسوم رایج و کنایه‌آمیز، رویاندن و سبز کردن گیاهان بود. گیاهانی را سبز می‌کردند و پرورش می‌دادند؛ سپس ضمن آیین‌ها و رسوم سوگواری برای آدونیس، آن سبزه‌ها را همراه با تندیس مرده آتونیس به کنار رود یا دریا می‌بردند و به آب می‌دادند. این نوعی برگزاری در آیین‌های جادوی تقلیدی بود که بدان وسیله می‌خواستند طلب باران فراوان کنند» (رضی، ۱۳۸۳: ۵۰).

- گوش دادن به گفت‌وگوی همسایه به منظور تفأل نیک به گفتار آن‌ها: باورهای دیگری در رابطه با فراوانی و برکت وجود دارد. قمر ۶۱ ساله از روستای خوران می‌گوید: «بعضی افراد در شب‌های شنبه برای آگاهی از روایی حاجات و آرزوهای با گوش دادن به گفت‌وگوی همسایه، تفأل خیر می‌زدند. اگر همسایه در مورد خوبی دیگران می‌گفتند اعتقاد داشتند حاجت‌روا می‌شوند و اگر در صحبت‌هایشان به بدگویی و غیبت دیگران می‌پرداختند، معتقد بودند که پیامد مثبتی برای آن‌ها به همراه ندارد». بنا بر باور معتقدان در چنین مواردی می‌بینیم طبق قانون تشابه جمله مثبت منجر به وقوع وقایع مثبت و شعر یا جمله منفی منجر به وقوع اتفاقات منفی بر اساس باورهای افراد خواهد شد.

- ریختن لبنیات و فرآورده‌های دامی داخل ظرف و قرار دادن آئینه مقابل یا روی آن: زهرا ۷۴ ساله از روستای خوران می‌گوید: «گاه دیده می‌شود هنگام تهیه روغن حیوانی یا لبنیات، آن را در ظرفی ریخته و آئینه‌ای را روی ظرف قرار می‌دهند». به نظر می‌رسد باور داشتند پریان به علت علاقه به آئینه، اطراف ظرف فراهم می‌آیند و باعث فراوانی و برکت آن می‌شوند یا

طبق جادوی شباهت، تصویر لبنیات در آینه انعکاس می‌یابد و همین امر باعث افزایش و برکت آن می‌شود.

- قرار دادن صدف میان غله و انواع حبوبات: عالیه ۶۷ ساله از روستای سرتنگ می‌گوید: «دیده می‌شود برخی افراد به منظور فراوانی غله، میان انبان حبوبات، آرد و نمک صدفی قرار می‌دادند که پنجه‌پری<sup>۱</sup> خوانده می‌شود». به باور برخی عوام، صدف، ناخن یا بخشی از پنجه پریان قلمداد می‌شود. با توجه به اینکه عوام از دیرباز، رودها و دریا را جایگاه پریان و دریا را محل برکت و فراوانی می‌دانستند، بنا بر این باور و قانون شباهت و سرایت، باور داشتند خیر و برکت نهفته در وجود پریان و دریا (به علت وجود صدف در دریا و رودها) از طریق صدف به غله منتقل می‌شود.

- ذبح حیوان در مدخل جوی آب و آبیاری محصول با خون: در فرهنگ عامه به دلیل اهمیت محصولات و تأثیر آن در معیشت و اقتصاد خانواده برای فراوانی و دفع بلا به اعمال خاصی می‌پردازند. حاج اسد ۸۳ ساله از روستای تَرَن به نقل از پدر بزرگ خود در مورد ریختن خون به منظور دفع بلا، هنگام آبیاری محصول می‌گوید: «هنگام آبیاری برنج، جَو یا گندم (هنگام جوانه زدن)، گاه گوسفند، بز یا مرغ (با توجه به شرایط اقتصادی فرد) را در ورودی آب به مزرعه قربانی و زمین را آبیاری می‌کردند». صاحب کتاب «اساطیر خاور نزدیک» نیز از قربانی گوسفند در مدخل رود در برخی روستاهای ایران خبر می‌دهد. «در برخی از مناطق روستایی ایران و در مناطقی از لرستان تا چندی پیش، سنت بر این بود که به هنگام نخستین آبیاری مزرعه، گوسفند یا نرگاوی را در مدخل آب به مزرعه، قربانی می‌کردند و پس از قربانی حیوان، آب را به مزرعه جاری می‌ساخت و مزرعه با خوناب آبیاری می‌شد» (گری، ۱۳۷۸: ۱۳۸). به نظر می‌رسد بنای این عمل نیز مبتنی بر جادوی تقلید و شباهت است. صاحب کتاب «فرهنگ نگاره‌ای و نمادها در هنر شرق و غرب» در مورد نیرو و برکت بخشی خون چنین می‌گوید: «خون در باورهای باستانی و اسطوره‌ای، نماد زندگی، باروری و تجدید حیات دانسته می‌شد و از همین روی بود که نوشیدن،

مالیدن یا گذاشتن از روی آن را مایه توانایی می‌پنداشتند» (هال<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰: ۲۴۳). در این مورد نیز همان‌گونه که خون عامل حیات و توانایی موجود زنده است، از طریق جادوی شباهت و سرایت، این توان و قدرت به محصول منتقل می‌شود و محصول همچون موجود زنده نیرو می‌یابد.



تصویر (۳): قربانی هنگام آبیاری محصول (غذای کارگران)، روستای ماژین

منبع: نگارنده، اسفند ۱۴۰۰

- نگهداری خروس به منظور تبرک: خروس از جمله ماکیان است که در فرهنگ عامه ایوان جایگاه ویژه‌ای دارد. مردم این خطه، از قدیم خروس را به عنوان تبرک در منازل خود نگهداری می‌کردند و باور داشتند که غیب‌دان است و باعث خیر و منفعت می‌شود. در این مورد نیز بنا بر جادوی شباهت و سرایت، خیر و برکت نهفته در وجود خروس به اهالی خانه منتقل می‌شود و مانند این ماکی خوش‌یمن می‌شوند و نحسی از آنان دفع می‌شود. اما با بررسی نمادشناسی خروس مشخص می‌شود نگهداری این پرنده در خانه، در باورهای پیش از اسلام ریشه دارد و افراد در ادوار گذشته به منظور دفع دیوان و نحوست به نگهداری خروس می‌پرداختند. بلعمی می‌گوید: «و عجم خروس و بانگ او را خجسته دارند، خاصه خرون سپید را. و چنین گویند که به هر خانه که این مرغ باشد، دیوان اندران نیابند» (بلعمی، ۱۳۷۸: ۸۱). در مقاله «خروس سفید از متن تا تصویر» نیز آمده است: «نگاهداری خروس مانع از بیماری و دیوگرفتگی (صرع) می‌شود» (شین‌دشتگل، ۱۳۸۶: ۳۶).

## باورهای مرتبط با عزاداری

اعتقاد به زندگی دوباره مُردگان و نیازمندی و وابستگی آنان به تقدیم قربانی و نذورات مختلف از مهمترین دلایلی است که افراد در مراسم سوگواری درگذشتگان به انجام قربانی می‌پردازند. در کتاب «اساطیر هند» در این باره آمده است: «در اعتقاد هندیان و ایرانیان، روان آدمی پس از مرگ در دیار مردگان، هستی سایه‌واری دارد و به بازماندگان خود متکی است که برای او خوراک و پوشاک نثار کنند» (ایونس<sup>۱</sup>، ۱۳۸۱: ۳۶). یکی از اعمال مرسوم در عزاداری که بر مبنای جادوی شباهت شکل گرفته است، آیین قربانی است.

- قربانی گوسفندان برای متوفی به منظور دستیابی متوفی به گوسفندانی مشابه در جهان پس از مرگ: مراد ۷۲ ساله از کلان می‌گوید: «تقدیم در ادوار گذشته، هنگام مرگ یکی از نزدیکان مرسوم بود تا هفت سال، هر سال یک گوسفند را برای آرامش و شادی درگذشتگان، قربانی کنند و در سال هشتم برای درگذشته، آخرین گوسفند را که عقیقه نامیده می‌شود، ذبح می‌کردند». این باور نیز در جادوی شباهت و اعتقاد به زندگانی پس از مرگ ریشه دارد و این عمل سبب می‌شود همان گونه که در این دنیا گوسفندانی به متوفی پیشکش می‌شود، در جهان پس از مرگ نیز گوسفندانی به وی داده شود.

شایان ذکر است که ذبح گوسفندان فقط پس از درگذشت شخص انجام نمی‌شود، بلکه در زمان حیات فرد نیز ممکن است چنین قربانی‌هایی انجام شود. گوشت گوسفند در این مراسم بایستی به اندازه‌ای پخته شود که هیچ کدام از استخوان‌ها آسیب نبینند. بعد از پخته شدن گوشت قربانی، همه استخوان‌ها بدون هیچ گونه شکستگی به همراه دیگر اضافات جداشده از گوسفند در پارچه‌ای سفید گذاشته و در خاک دفن می‌شود. باور عموم بر این است که اگر چنانچه یکی از استخوان‌های گوسفند ذبح شده شکسته شود، بنا بر اصل شباهت استخوان همان قسمت از بدن فردی که عقیقه برای او انجام شده است، آسیب می‌بیند.

### باورهای مرتبط با خال کوبی

خال کوبی یکی از شاخصه‌های هنری- فرهنگی است که در تحلیل و دستیابی به باورهای توتمی گذشتگان راهگشا خواهد بود. قلی‌زاده نقل می‌کند که در منطقه بالکان، گروهی از جوانان

1 Ivens

جنگجو تصویر گرگ را بر بدن نقش می‌کردند. به اعتقاد وی، این امر «تجربه‌ای جادویی - دینی بوده که جوانان را کاملاً به جنگجو مبدل می‌کرده است. چنین جوانانی برای رسیدن به خصلت یک جنگجوی واقعی، پوست گرگ بر تن می‌کردند و می‌کوشیدند تا تمام خصلت‌های گرگ را بروز دهند. در این لحظه او دیگر نه یک انسان، بلکه آدم‌خوار، درنده‌خو و شکست‌ناپذیر بود (قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۸۷). پس آیین خال‌کوبی از جمله آدابی است که بنای آن بر تقلید و کسب صفات ویژه تصاویری است که فرد بر اندام خود نقش می‌کند.

- خال‌کوبی نقوش حیوانات به منظور کسب ویژگی‌های آنان: در نقوشی که میان افراد خال‌کوبی شده در شهرستان ایوان دیده می‌شود، نقش‌های گوزن، شیر، مار و عقاب برجستگی فراوانی دارد. به نظر می‌رسد، و رای جنبه زیبایی این خال‌کوبی‌ها، زمینه‌های اساطیری بازمانده از جادوی شباهت چنین مواردی بسیار مؤثر بوده است و در گذشته مقصود بسیاری از افراد از انجام این عمل، کسب ویژگی‌های مثبت این موجودات است که با گذشت زمان جنبه‌های جادویی این اندیشه فراموش شده و صرفاً جنبه زیبایی‌شناسی و بصری آن در اذهان باقی‌مانده است. مهم‌ترین عامل، بسامد بالای تصویر گوزن، اهمیت این حیوان در معیشت جامعه سنتی است. علت توجه به نقش شیر نیز می‌تواند ناشی از قدرت و توانایی این حیوان باشد. در باورهای عامیانه شهرستان ایوان برخی معتقد بودند اگر کسی پَر عقابی همراه داشته باشد با اقبال و نیک‌بختی مواجه می‌شود و شاید اعتقاد به خوش‌یمن بودن این پرنده، باعث شده است تصویر آن در نقش‌های خال‌کوبی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، با توجه به اینکه مار در گذشته، نماد جاودانگی و بی‌مرگی بوده، همین مسأله باعث شده است خال‌کوبان برای در آمان ماندن از بیماری و بلاگردانی به کوبیدن تصویر این جانور پردازند که در اغلب موارد جادوی سرایت و تقلید نقش مهمی در شکل‌گیری این باورها و بسامد بالای نقوش این حیوانات دارد. به نظر می‌رسد وجود تصاویر اجرام آسمانی (ماه و ستاره) در خال‌کوبی‌ها بنا به جادوی سرایت و تقلید، در باورهای نجومی و تأثیر سعد آن‌ها در وجود و سرنوشت آدمی ریشه دارد.



تصاویر ۴-۶: خال کوبی مار، گوزن و اسامی مقدس، روستای تَرَن و خوران

منبع: نگارنده، اسفند ۱۴۰۰

### باورهای مرتبط با اختلاف‌افکنی و آسیب‌رسانی (جادوی سیاه)

از عمده‌ترین اهداف گرایش به خرافات، اعتقاد به نیروهای ماورائی است که در طبیعت موجود هستند. این باور سبب می‌شود تا عوام برای دور کردن بلا یا آسیب زدن به دشمنان، دست به دامان این نیروهای برتر شوند تا به خواسته‌های خود برسند. دوختن دو تمثال و باز و بسته کردن قیچی با نیت منفی از جمله این موارد است.

- بستن دو عروسک به صورت واژگون به هم به منظور ایجاد اختلاف میان زوجین: یکی دیگر از انواع جادو که با هدف ایجاج نزاع و اختلاف میان دو شخص (معمولاً زن و شوهر) به کار می‌رفت، بستن دو عروسک از پشت به همدیگر با سنجاق بود. در این مورد، عروسک‌ها را داخل تکه چرمی سیاه قرار می‌دادند و در اطراف خانه‌ای که قصد جادو کردن ساکنانش را داشتند دفن می‌کردند. در این مورد نیز بنا بر جادوی تقلید، بستن عروسک‌ها به صورت وارونه و پشت به هم به عنوان الگویی به طبیعت عرضه می‌شود تا به این شیوه میان زوجین اختلاف و دشمنی افکنند.

- نهی اعضای خانواده از باز و بسته کردن قیچی به منظور جلوگیری از اختلاف و نزاع: فروزان ۸۳ ساله از روستای خوران می‌گوید: «برخی بر این باورند اگر در منزل، قیچی را بدون قصد انجام کاری (بدون اینکه از آن برای بُرش استفاده شود)، مدام باز و بسته کنند، این عمل منجر به نزاع اعضای خانواده یا مصیبتی دشوار می‌شود». به همین دلیل یکدیگر را از انجام این عمل به شدت نفی می‌کنند. به نظر می‌رسد تصور می‌کنند بنا بر اصل شباهت، سر و صدای حاصل از باز و بسته کردن قیچی می‌تواند منجر به ایجاد دعوا و سر و صدا در خانه شود.

### باورهای مرتبط با اشیاء و حیوانات گمشده

گاه یافتن اشیاء گمشده و سرمایه‌های مادی، زمینه‌گرایش به خرافات را فراهم می‌کند. افراد برای نیل به این هدف به اعمالی می‌پردازند که در جادوی تقلیدی ریشه دارد. گره زدن روسری و قرار دادن نان و نمک روی سیاه‌چادر از جمله این موارد است.

- یافتن اشیاء گمشده با توسل به گره زدن روسری: گره زدن نوع دیگری از جادوی شباهت به‌منظور یافتن اشیاء گم‌شده است. برخی زنان هنگام گم شدن اشیاء به نیت یافتن آن شیء، روسری خود را گره می‌زنند. با توجه به اصل شباهت، باور دارند گره افکندن بر روسری باعث می‌شود آن شیء در همان محلی که افتاده است بند شود و از دید اشخاص دور ماند. سپس صاحب آن، مسیرهای پیموده شده را دوباره دنبال می‌کند تا گمشده خویش را بیابد. برخی باور دارند در واقع عمل گره‌زدن، افکندن گره بر پریان است و به این شیوه آنان را مجبور به یافتن شیء گمشده می‌کنند و «آن شیء با راهنمایی ذهنی پری پیدا می‌شود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۹۴۶).

- قرار دادن مقداری نان و نمک روی سیاه‌چادر به‌منظور یافتن حیوان گمشده: نوع دیگری از جادوی تقلیدی به‌منظور یافتن گمشده، هم‌سفره شدن با نیروهای برتر به‌شیوه خوردن نان و نمک است. میرحسین ۶۹ ساله از روستای رستم‌خان می‌گوید: «در ادوار گذشته هنگام گم شدن حیوانات، صاحب حیوان، مقداری نان و نمک را روی سیاه‌چادر قرار می‌داد تا درندگان به چهارپا یا احشام گمشده آسیبی نرسانند». هدف این عمل روشن نیست؛ ولی می‌توان حدس زد که ممکن است نان و نمک را به نیروهای فراطبیعی و برتر پیشکش کرده باشند تا به این وسیله با آنان هم‌سفره شوند و به اصطلاح آنان را نمک‌گیر کنند و به این روش آنان نیز با حیوان گمشده هم‌پیمان شوند (با این تصور که حیوان تحت حمایت پیمان‌گزار و صاحب آن است) و از آسیب و آزار مصون بماند.

### باورهای مرتبط با دفع مهمان ناخوانده

گاه حضور طولانی برخی مهمانان در خانه به‌گونه‌ای مایه آشفته‌گی میزبان می‌شود که به‌منظور دفع وی حتی به باورهای خرافی متوسل می‌شوند. یکی از این موارد، ریختن نمک در کفش مهمان است.

- ریختن نمک در کفش مهمان به منظور ترک منزل: از جمله مسائلی که گاه خانواده‌ها با آن روبرو می‌شوند، حضور طولانی مهمان در خانه است. در این رابطه برخی باور دارند ریختن نمک در کفش‌های مهمان باعث می‌شود که او خانه را ترک کند. در این مورد بنا بر جادوی شباهت، شوری نمک، باعث شور افتادن دل مهمان می‌گردد و از طرفی دیگر نیز ریختن نمک در کفش به عنوان وسیله گام برداشتن و رفتن خود بر پایه قانون تشابه است. در این دو مورد نیز بنا بر اصل تشابه، جابه‌جایی و تغییر وضعیت شیء می‌توانست به تغییر وضعیت مهمان منجر شود.

### نتیجه‌گیری

در فرایند جامعه‌پذیری، برخی از افراد به خرافات باقی مانده از نسل‌های پیش از خود پایبندند و این باورهای خرافی را به نسل بعد از خود منتقل می‌کنند. از این رو، شناخت دقیق‌تر موضوع، می‌تواند فرایند جامعه‌پذیری را با آگاهی بیشتری همراه کند. با بررسی عقاید و باورهای شکل گرفته بر اساس جادوی شباهت درمی‌یابیم که شکل‌گیری عقاید خرافی و انگیزهٔ اصلی کسانی که به این باورها معتقدند، حفظ آرامش روانی در مواجهه با مشکلات و نابسامانی‌های زندگی، دفع حوادث ناگوار و تفاعل خیر زدن به منظور برکت‌بخشی است. گاه برخی خرافات در نتیجهٔ غرض‌ورزی یا جهالت بعضی افراد به‌گونه‌ای با اندیشهٔ عامهٔ مردم پیوند یافته است که از میان بردنشان کاری دشوار و گاه غیرممکن است. ترس، نتیجه‌گیری استقرایی و کورکورانه از یک واقعه، بی‌سوادی، حوادث ناگوار، ناکامی، یأس، عدم توفیق و اقبال و عدم توانایی فرد در غلبه بر شرایط زندگی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری باورهای خرافی مرتبط با جادوی شباهت است. شایان ذکر است که باورهای شکل‌گرفته بر مبنای جادوی شباهت را می‌توان در ده بخش یعنی باورهای مرتبط با ازدواج، بارداری، تولد نوزادان، درمان و بلاگردانی، باروری و برکت‌بخشی، عزاداری، خال‌کوبی، جادوی سیاه، اشیاء و حیوانات گمشده و دفع مهمان ناخوانده بررسی و تحلیل کرد که از این میان به‌ترتیب، باورهای مرتبط با نوزادان، باروری و برکت‌بخشی، درمانی و بلاگردانی، ازدواج و بارداری انعکاس بیشتری نسبت به سایر باورها دارد. به نظر می‌رسد این امر، در اهمیت فرزندان به‌عنوان نیروی کار و عامل حفظ کیان خانواده و به‌نوبه خود خیر و برکت در زندگی روستایی و معیشت جامعه کشاورزی ریشه دارد.



در مورد باورهای مرتبط با عزاداری، خال‌کوبی، اختلاف‌افکنی و آسیب‌رسانی (جادوی سیاه)، اشیاء و حیوانات گمشده و دفع مهمان ناخوانده نیز باید گفت جادوی شباهت در خلق چنین باورهایی تأثیر قابل ملاحظه‌ای نداشته است و دلیل این امر نیز ممکن است چنین باشد که در جوامع دامدار و کشاورز تکیه اصلی بر حفظ و تداوم نسل، انسجام خانواده و فعالیت و تلاش در زمینه‌هایی است که با زندگی روزمره و فرهنگ مشارکت و بهره‌وری در ارتباط است و باورهای یادشده در این دایره از فرهنگ غالب جامعه سنتی قرار ندارند. نکته دیگر این است که با توجه به فرهنگ مردسالاری در جامعه سنتی، باورهایی که مطلوب مردان و مرتبط با فعالیت آن‌ها باشد، نمود برجسته‌تری دارند و با توجه به اینکه مردان در باورهای مرتبط با این بخش‌ها مشارکت ندارند، چنین باورهایی انعکاس خاصی ندارند.

### منابع

- آزادگان. جمشید (۱۳۸۴). تاریخ ادیان ابتدایی و قدیم. تهران: سمت.
- آموزگار. ژاله (۱۳۹۳). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سمت.
- ایونس. ورونیکا (۱۳۸۱). شناخت اساطیر هند. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- بلعمی. ابوعلی محمد (۱۳۷۸). تاریخ‌نامه طبری. تصحیح محمد روشن. تهران: سروش.
- بهار. مهرداد (۱۳۹۱). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگاه.
- پالس. دانیل (۱۳۸۹). هفت نظریه در باب دین. ترجمه محمد عزیز بختیاری. قم: مؤسسه امام خمینی.
- جاهودا. گوستاو (۱۳۶۳). روانشناسی خرافات. تهران: فرهنگ نشر نو.
- حقی. مریم و محبوب. فرشته (۱۴۰۰). جادوی گره در فرهنگ عامه مردم ایران. مجله فرهنگ و ادبیات عامه. ۳۹. ۲۸۳-۳۲۵.
- دهخدا. علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ذوالفقاری. حسن (۱۳۹۲). درمان عامیانه نزد مردم ایران. مجله طب سنتی اسلام و ایران. ۴(۲). ۱۳۸-۱۶۰.
- (۱۳۹۶). باورهای عامیانه مردم ایران. با همکاری شیرینی. تهران: چشمه.

- رضایی. فاطمه (۱۳۹۵). تأثیر جادوی هومیوپاتیک بر فرهنگ عامه (مطالعهٔ موردی شهرستان نجف آباد). انسان‌شناسی و فرهنگ.
- رضی. هاشم (۱۳۸۳). جشن‌های آب. تهران: بهجت.
- شاله. فلیسین (۱۳۴۶). تاریخ مختصر ادیان بزرگ. ترجمهٔ منوچهر خدایار محبی. تهران: دانشگاه تهران.
- شعبی. فاطمه (۱۳۹۲). روانشناسی خرافات. تهران: انتشارات الکترونیکی.
- شکورزاده. ابراهیم. (۱۳۶۳). عقاید و رسوم مردم خراسان. تهران: سروش
- شین‌دشتگل. هلنا. (۱۳۸۶). خروس سفید از متن تا تصویر. فرهنگ مردم. ۲۱-۲۲. ۳۴-۴۷.
- صرفی. محمدرضا (۱۳۹۱). باورهای مردم کرمان. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- عزیزی‌فر. امیرعباس (۱۳۹۲). بررسی طلسم و طلسم‌گشایی در قصه‌های عامیانه فارسی. مجله متن‌شناسی ادب فارسی. ۴۹(۱). ۸۳-۱۰۰.
- فریزر. جیمز (۱۳۸۷). شاخه زرین. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: آگاه.
- قلی‌زاده. خسرو (۱۳۸۹). ضحاک مار‌گرگان در اساطیر ایرانی. پیک نو فارسی. ۱. ۷۸-۱۰۲.
- کتیرایی. محمود (۱۳۷۸). از خشت تا خشت. تهران: ثالث.
- گری. جان (۱۳۷۸). اساطیر خاور نزدیک. ترجمهٔ باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- ماسه. هانری (۱۹۳۸). معتقدات و آداب ایرانی. ترجمه روشن‌ضمیر. جلد ۲. تبریز: دانشگاه.
- مستوفی. عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگانی من. جلد ۱. تهران: زوار.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۰). خرافات. دانشنامه جهان‌اسلام. جلد ۱۵. تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- نسرین‌زاده. حسن و نشانی. فرخنده (۱۳۹۶). بررسی تأثیر جادوی هومیوپاتیک بر فرهنگ عامهٔ مردم بهبهان. دومین همایش ملی نگاهی نو به زبان و فرهنگ عامه. ۱۱۲۴-۱۱۳۹.
- نوروزی. قدمعلی. (۱۳۹۱). باورهای عامه در بختیاری. اهواز: معتبر.
- هال. جیمز (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره‌ای و نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمهٔ رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.

- Frankle. R. L. S. & Stein. P.L. (2005). **Anthropology of Religion. Magic and Witchcraft**. Boston: Allyn & Bacon.
- Neumann, I. B. (2006). **Pop goes religion Harry Potter meets Clifford Geertz**. european journal of cultural studies. 9. 81-100.
- Reichlet. H. (1968). **Avesta Reader: Texts, Notes, Glossary and Index**. Berlin.